

معرفی کتاب جنگ چهره زنانه ندارد اثر سوتلانا الکسیویچ

کتاب جنگ چهره زنانه ندارد نوشته سوتلانا آلکساندرنا الکسیویچ و ترجمه عنوان اصلی کتاب War's Unwomanly Face می باشد که نخستین بار در سال ۲۰۰۴ منتشر شد. این کتاب در چند سال اخیر به یکی از مشهورترین کتاب های جهان با موضوع جنگ تبدیل شده است

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، در این گفت و گوی پژوهشی - ادبی به بررسی و معرفی کتاب " جنگ چهره زنانه ندارد " اثر سوتلانا الکسیویچ با مرضیه صیدی پژوهشگر ادبیات خواهیم پرداخت

کتاب جنگ چهره زنانه ندارد نوشته سوتلانا آلکساندرنا الکسیویچ و ترجمه عنوان اصلی کتاب War's Unwomanly Face می باشد که نخستین بار در سال ۲۰۰۴ منتشر شد. این کتاب در چند سال اخیر به یکی از مشهورترین کتاب های جهان با موضوع جنگ تبدیل شده است و در واقع بخش اول پنج گانه الکسیویچ با عنوان صداهایی از آرمان شهر محسوب می شود. خرید کتاب جنگ چهره زنانه ندارد.

کتاب به جنگ جهانی دوم می پردازد. در واقع در این کتاب جنگ جهانی دوم از نگاه زنان روسی توصیف می شود که تجربه حضور در این جنگ را داشته اند؛ زاویه دیدی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

نویسنده در لابه لای سطور کتاب صداها و ناله هایی را که تا به حال شنیده نشده بود، به گوش خواننده می رساند و بعضی از زوایای پنهان جنگ را روشن می کند.

جنگ و تخیل در یک ظرف نمی گنجند، جنگ میدان واقعیت است؛ نمی توان گوشه ای نشست و جنگ را تصور و خیال کرد. بهترین شیوه توصیف جنگ نقل قول کسانی است که در میدان حضور داشته اند.

نویسنده این کتاب از تجربیات روزنامه نگاری اش بهره گرفته و شیوه مصاحبه و انتقال بی کم و کاست توصیفات شاهدان عینی را برای نگاه زنانه به جنگ بر می گزیند. زیرا او پیش و بیش از آن که نویسنده باشد، یک روزنامه نگار حرفه ای است و به واسطه شغلش همواره ترجیح می دهد با حقایق عریان سر و کار داشته باشد. الکسیویچ نویسنده اهل بلاروس است که در سال ۲۰۱۵ برنده جایزه نوبل ادبیات شد.

کتابی خاص

چیزی که کتاب… را از سایر آثار جنگی متمایز می کند، پدیده چند صدایی است. در این کتاب حتا یک آشپز و رخت شوی ساده هم توانسته اند نظرشان را نسبت به جنگ بیان کنند.

هر کس صدای خود را دارد و با آن سخن می گوید. نویسنده از تضارب آرا نمی ترسد. چند صدایی است که سطور این کتاب را قابل باور می کند. قهرمانان این کتاب قدیس و ابر انسان ها نیستند؛ بلکه مردمی عادی اند.

زبان شان زبان ساده و کوچه بازاری است و همین باعث شده تا کتاب برای خواننده بسیار نزدیک و قابل درک باشد. خاطرات کتاب

در خاطرات این کتاب، می توان نگاه زنانه به جنگ را در خلال اتفاقاتی که برای زنان افتاده مشاهده کرد؛ زنانی که دغدغه هایی چون بچه دار شدن، یا نگهداری از بچه هایشان را با پوشیدن پوتین و گرفتن اسلحه به دست، مخلوط کرده و در گل و لای جبهه نبرد می خیزند. زنی که ۳ اسیر خود را به دلیل فرار از محاصره می کشد یا زن تک تیراندازی که حساب دشمنانی را که با تفنگش کشته از دستش خارج شده از جمله زنانی هستند که در این کتاب حاضرند. قصه همه این زن ها نشان می دهد که جنگ می تواند روحیه زنانه زنان را هم تغییر داده و از آنان موجودات دیگری بسازد که با انسان های با احساس و لطیف اولیه فاصله دارند.

کتاب «جنگ چهره زنانه ندارد» در هفت بخش تدوین شده است. «زن ها کی برای اولین بار در تاریخ وارد ارتش شدند؟»، «انسان بزرگ تر از جنگ است»، «نمی خواهم حتی به خاطر بیاورم…»، «دخترها، بزرگ شید، بالغ شید… شما هنوز خامید…»، «بوی ترس و چمدان آب نبات»، «من این چشما رو امروز هم به خاطر می آرم…» و «نیاز به سرباز بود… اما من می خواستم زیبا هم بمانم…»

سانسور ها

الکسیویچ در حین نوشتن این کتاب بارها توسط سانسورچی مورد خطاب گرفته است که چرا به جای قهرمان پروری و تقدیس مبارزه در جنگ، زنان مبارز را تا حد یک انسان عادی پایین آورده و این پیروزی را با بیان مشکلات و ویرانی ها و زشتی های جنگ مخدوش کرده است. پاسخ آرام الکسیویچ این است: «من انسان های کوچک را دوست دارم. تلاشم این است تا آن جایی که رنج از انسان کوچک، انسان بزرگ می سازد در همان لحظه روح انسانی را بررسی کنم.

من پی انسان کوچک بزرگ هستم، انسانی که تحقیر شده، شخصیتش لگدمال شده اما پیروز شده و هیچکس نمی تواند این پیروزی را از او بگیرد.» اشاره ی الکسیویچ به مساله ای است که خود زنان نیز در خاطراتشان بیان می کنند این که جنگ هیچ روی زیبا و رهایی بخشی ندارد، و آنها نیز انسان هایی فرا زمینی و ابرقهرمان نبودند بلکه انسان هایی عادی بودند با دغدغه ها و آرزوها و امیدهایی مانند تمامی انسان ها که راهی جنگ شدند و در این مسیر علی رغم پیروزی بخش اعظمی از روح و جسم و زندگی آینده شان آسیب دید.